abolish [əˈbɒliʃ] v لغو کردن

لغو چیزی به معنای پایان دادن به آن است ، مانند یک سیستم یا قانون.

→ رئیس جمهور لینکلن برده داری در ایالات متحده را لغو کرد.

اصلاح

اصلاح [əˈmend] v اصلاح کردن

اصلاح چیزی به معنای تغییر آن برای بهبود یا دقیق کردن آن است.

→ کشورها توافق کردند که این پیمان باید به نتیجه برسد.

آرزو می کنم

aspire [əsˈpaiər] v آرزو کردن

آرزو به معنای داشتن آرزوی شدید برای دستیابی یا انجام کاری است.

→ جورج آرزو داشت که از کودکی پزشک شود.

سانسور

censor [ˈsensər] v سانسور

سانسور اطلاعات به معنای حذف آنها در صورت بی ادبی یا سرکشی است.

→ برای محافظت از افراد بی گناه ، محل بمب سانسور شد.

منشور

charter [ʃɑːtʃɑːrtər] n. منشور

منشور سندی است که حقوق یک سازمان یا گروه را توصیف می کند.

chart منشور شرکت توضیح داد که همه کارمندان باید مالیات بپردازند.

قانون اساسي

Constitution [ɒkɒnstəˈtjuːʃən] n. قانون اساسي

قانون اساسی سند اصول یک دولت است.

constitution قانون اساسی کشور گفته است که نخست وزیر فقط می تواند سه دوره خدمت کند.

شهری

کیهانی [ˌkɒzməˈpɒlətən] adj. شهری

وقتی یک مکان جهان وطنی است ، مملو از افراد از مکان های مختلف است.

dozens ده ها نوع رستوران مختلف در یک شهر جهان وطنی وجود دارد.

انتشار

پخش کردن [diˈseməneit] v

انتشار اطلاعات یا دانش به معنای توزیع آنهاست.

→ این سازمان اطلاعات مربوط به خطرات سیگار را منتشر می کند.

چاپلوس

چاپلوس [æflætər] v چاپلوس

تملق گویی به معنای ستایش آنها در جهت جلب رضایت آنها است.

just او فقط داشت چاپلوس می شد که گفت لباس جدید من زرق و برق دار به نظر می رسد.

بدنام

infamous [ˈinfəməs] adj. بدنام

وقتی کسی بدنام است ، به خاطر یک چیز بد شناخته می شود.

channel آن کانال خبری برای ارائه اطلاعات مغرضانه بدنام است.

لنگ

لنگ [leim] adj. لنگ

اگر فردی لنگ باشد ، به دلیل آسیب دیدگی در پا یا پا نمی تواند به درستی راه برود.

→ این حادثه وحشتناک باعث کشته شدن بسیاری از افراد و لنگیدن چندین نفر دیگر شد.

لنگ

لنگیدن [imp] v لنگیدن

لنگیدن به معنای سخت راه رفتن است زیرا پا یا پای کسی آسیب دیده است.

→ بعد از مصدومیت ، بازیکن با لنگیدن از زمین بیرون میره.

انفجار

outburst [utautbəːrst] n. انفجار

طغیان بیان ناگهانی و قوی یک احساس است.

when وقتی این بازیگر طنز روی صحنه رفت ، هلهله تشویق شد.

آسیب شناسی

آسیب شناسانه [ˌpæθəˈlɒdʒikəl] adj. آسیب شناسی

وقتی رفتاری آسیب شناسانه باشد ، بسیار افراطی ، غیرقابل قبول و غیرقابل کنترل است.

→ دروغگو آسیب شناس حتی نمی توانست حقیقت را در مورد مسائل غیر مهم بگوید.

خارق العاده

خارق العاده [fiˈnɒmənl] adj. خارق العاده

وقتی چیزی خارق العاده باشد ، بسیار عادی است.

توانایی کودک در نواختن پیانو چیز خارق العاده ای نیست.

نظرسنجی

نظر سنجی [poul] n نظرسنجی

نظرسنجی یک نظرسنجی است که در آن افراد نظرات خود را درباره موارد مهم ارائه می دهند.

→ این نظرسنجی نشان داد که بسیاری از مردم از طرح جلوگیری از خشونت باند پشتیبانی می کنند.

پشیمانی

remorse [riˈmɔːrs] n. پشیمانی

پشیمانی یک احساس شدید از غم و اندوه و پشیمانی است.

→ وقتی فهمیدم چه کاری انجام داده ام ، از عملکردم احساس پشیمانی کردم.

رازداری

رازداری [ˈsiːkrəsi] n رازداری

راز ، رفتار مخفی نگه داشتن امور است.

→ رازداری سازمان بزرگ ، دولت را عصبی می کرد.

برخورد با

tackle [ˈtækəl] v مقابله کردن

مقابله با چیزی به معنای برخورد جدی و کارآمد با آن است.

→ چنین مشکلات اجتماعی باید بلافاصله حل شوند.

ترنس

trance [træns] n. ترنس

ترنس حالتی است که به نظر می رسد افراد در خواب هستند و هیچ کنترلی بر خود ندارند.

powerful چشمان قدرتمند زن اغلب مردان را در یک خلسه قرار می دهد.

شهردار شرمن

شهر جهانی شرمن نیاز به انتخاب شهردار جدید داشت. دو نفر آرزو داشتند که شهردار شوند: آقای جونز و آقای وب. آقای جونز مردی خوش قد و بلند قامت بود. او یک سخنران خارق العاده بود و شهروندان او را دوست داشتند. با این حال ، آقای جونز چیز زیادی در مورد اداره یک شهر نمی دانست. او یک دروغگو بیمارگونه بود که فقط با سخنان خود مردم را چاپلوسی می کرد. آقای وب بسیار متفاوت بود. او مردی کوچک و غیرجذاب بود. هنگام راه رفتن او لنگ و لنگ بود. اما او متخصص سیاست بود و می دانست که چه چیزی برای مردم بهتر است.

شهروندان شرمن اهمیتی به سخنان سیاستمداران ندادند. هیچ کس به آقای وب گوش نداد ، حتی اگر او ایده های خوبی داشت. وقتی آقای جونز صحبت کرد ، آنها تشویق کردند ، اگرچه او در مورد چیزهای مهم صحبت نکرد. سخنان زیبا او مردم را در خلسه فرو برد. همه نظرسنجی ها پیش بینی می کردند که آقای جونز در انتخابات پیروز شود.

وقتی آرا were جمع شد ، آقای جونز به راحتی پیروز شد. اما وقتی او منصب شد ، نمی دانست چه کاری انجام دهد! او سعی کرد با کار در خفا ، نادانی خود را پنهان کند. وی قانونی را به قانون اساسی شهر اضافه کرد که از دیدن شهروندان به شهردار جلوگیری می کرد. وی حتی روزنامه هایی را که سعی در انتشار اطلاعاتی درباره عدم توانایی وی در کمک به مردم داشتند ، سانسور کرد.

به زودی ، آقای جونز به دلیل ضعف رهبری بدنام شد. عصبانیت در میان شهروندان به وجود آمد. آنها از تصمیم نادرست خود در انتخاب شهردار نادان پر از پشیمانی بودند. آنها به برکناری آقای جونز رأی دادند و اجازه دادند آقای وب زمام امور را به دست گیرد. بلافاصله آقای وب ثابت کرد که وی یک شهردار بزرگ است. او قانون آقای جونز را لغو کرد و مایل بود با همه صریح صحبت کند. وی به موضوعات مهم پرداخت و قوانین غیرمنصفانه را در منشور شهر اصلاح کرد.

شهروندان آموختند که ظاهر دلپذیر و سخنان خوب باعث ایجاد یک رهبر خوب نمی شود. مهمترین ویژگی ها هوش و تمایل به کمک به دیگران است.